

صفحات ۱۷۴ - ۱۶۱

بررسی جایگاه زن در اخلاق اسلامی با تأکید بر حق حضانت و اشتغال زنان در حقوق اسلام و بشر

ایلناز علی‌نژاد^۱

سید مهدی صالحی^۲

رضا نیک خواه سرنقی^۳

چکیده

نهاد خانواده بیش از آن که در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک برجسته شده باشد در اسلام مورد توجه قرار گرفته و به عنوان مهم‌ترین بستر رشد کودک معرفی شده است. زمان جدایی والدین از یکدیگر مسأله حضانت و اولویت طرفین جهت سرپرستی کودک ظهور می‌یابد که این امر با شرایطی قرین است در صورت فقدان شرایط لازم این حضانت به طرف مقابل انتقال می‌یابد. در عین حال امروزه یکی از شاخصه‌های توسعه انسانی، میزان حضور زنان و نحوه ایفای نقش آنان در عرصه‌های گوناگون فعالیت است که تأثیری جدی بر دیگر اقدامات دارد. مساله حفظ حقوق زنان و عدم تبعیض بر اساس جنسیت در این میان نمود خاصی دارد. موفقیت در این امر نیازمند تأمین هزینه‌های است که برای رفع آنها اشتغال مطرح می‌شود. به همین دلیل حضانت و اشتغال دو مفهوم مرتبط با هم بوده به این ترتیب که نگهداری و تربیت کودک نیازمند وجود درآمد است که با هدف بهبود تربیت مستمر فرزندان بر اساس مشارکت فعال زنان در اشتغال مزایای ناشی از آن تحقق می‌یابد. تجلی و نمود بارز آن در حقوق اسلام نمایان تر است که تطبیق آن با حقوق بشر موضوع پژوهش حاضر است.

واژگان کلیدی

خانواده، زن، حق، حضانت، اشتغال، حقوق اسلامی، حقوق بشر.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور و دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی پردیس دانشگاه ارومیه

Email: elnaz_alineghad90@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

Email: drmahdisalehi@yahoo.com

۲. استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه.

Email: r.nikkhah@urmia.ac.i

۳. استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۹

طرح مسأله

هسته اولیه و شالوده جامعه بشری بر خانواده سالم نهاده شده است که این امر در پرتو تربیت صحیح شکل می گیرد. حضانت و سرپرستی فرزندان از جمله مقوله های مهمی است که در این زمینه سهم بسزایی برعهده دارد. اولین سرپرست و معلم فرزندان پدر و مادر هستند که هر دو وظیفه رشد و تکامل فرزند را برعهده دارند. با افزایش طلاق در جامعه مشکلات و مسائل فراوان پیش روی خانواده ها و کودکان آنها قرار می گیرد که یکی از مهمترین آنها مشکلات حقوقی در رابطه با حضانت اطفال است. حضانت جزء مباحث مهم خانواده در نظامهای مختلف حقوقی است و نظر به جایگاه طفل در ساختن آینده جامعه توجه به نگهداری و حضانت او ضروری است. حضانت در فقه امامیه، سلطه والدین برای تربیت و نگهداری طفل و مجنون به منظور حفظ مصلحت اوست. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۲) در عین حال مسئله اشتغال زنان از بدو زندگی اجتماعی مطرح بوده و کار زنان همگام با مردان در مزارع و یا منزل مسئله ای عادی محسوب شده و جزو وظایف آنها به شمار می آید. با آغاز انقلاب صنعتی اروپا که از سال ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد وضعیت اشتغال زنان به کلی تغییر کرد و زنان توانستند با توجه به وضعیت جدیدی که در بازار کار ایجاد شد، در بخش های مختلف از جمله در بخش صنعتی مشغول به کار شوند. (حمیدیان، ۱۳۹۰: ۱۱۵) اعضای فعال حقوق بشر زنان اذعان دارند که چهار چوب حقوق بشر بین المللی قدرت آن را دارد که به تقاضاهای سیاسی مشروعیت بخشد. با توجه به این که، حقوق بشر تقریباً از سوی بیشتر دولت ها امضا شده و پروتکل های آن رسمیت یافته است. در این رابطه، واقعیات زندگی زنان درس هایی را می آموزد و زمینه فعالیت حول حقوق بشر را به طور عام فراهم می کند. ترویج حقوق بشر زنان این سوال را پیش می آورد که آیا حقوق سیاسی و مدنی موجود، که در بالاترین سطح از سلسله مراتب حقوقی فعلی قرار دارد، قابل قبول است یا نه. (حمیدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۸) از جمله مسائل فوق را باید حق حضانت زنان دانست این مقاله به روش کتابخانه ای و به شکل توصیفی، تطبیقی به بررسی حضانت در حقوق اسلام و بشر و نیز وضع اشتغال زنان را در اسلام و نظام بین الملل مورد بررسی قرار داده و به بررسی سازمان های بین المللی در باب حضانت و اشتغال زنان پرداخته است.

حضانت در اسلام

حضانت کلمه ای عربی و از ریشه حضن بوده و در لغت به معنای پروردن است. در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر نموده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ج ۱، ش ۱۷۲۰) همچنین معانی دیگر همچون «زیر بال گرفتن، برگرفتن، در دامن خود پروراندن و پروراندن» نیز برای حضانت ذکر شده است. (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۳۶۰) حاضن و حاضنه به زن و مردی گفته می شود که امر سرپرستی و نگهداری، پرورش و

تربیت کودک را به عهده دارند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: واژه حضانت) حضانت در فقه امامیه، سلطه والدین برای تربیت و نگهداری طفل و مجنون به منظور حفظ مصلحت اوست. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۲۱) وجه تسمیه حضانت برای پروراندن و امر نگهداری طفل این است که «الحضن» در لغت عربی، زیر بغل تا تهیگاه یا سینه و فاصله دو بازو را گویند و چون مادر، طفل را در بین بازوان و سینه قرار می دهد، گفته می شود که حضانت نموده است. (معلوف، ۱۳۷۴: ۱۳۹) در فقه شیعه نیز حضانت به این صورت شده که حضانت به فتح حاء، ولایت بر صغیر و مجنون است و از جهت به سامان آوردن تربیت و آنچه که به تأمین مصالح او مربوط است از حفظ و خوابانیدن و روی رختخواب، بلند کردن و نظافت و شستشوی او و لباس هایش و بالاخره سر مه کشیدن به چشمان طفل، خوراک، پوشاک و سایر اموری که بدان نیازمند است. (نجفی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۳۰: ۳۴۸) به بیان دیگر حضانت حق و تکلیفی است برای والدین در نگهداری، مراقبت و تربیت طفل خویش. «(بیگدلی، ۱۳۹۰: ۴۰) لفظ حضانت عیناً در قرآن کریم نیامده اما در ذیل بعضی از آیات بدین حکم اشاره شده است. به عنوان نمونه در سوره بقره آیه ۲۳۳ می فرماید: «مادران، فرزندان خویش را دو سال تمام شیر دهند، برای کسی که می خواهد شیر دادن را کامل کند و صاحب فرزند خوراک و پوشاک آنها را به شایستگی عهده دار است. (بقره/ ۲۳۳)» همچنین روایات بسیاری در مورد حضانت وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

عَنْ فَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الرَّجُلُ أَحَقُّ بِوَلَدِهِ أَمِ الْمَرْأَةُ؟ قَالَ: لَا بَنَ الرَّجُلِ. فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لِرَوْحِهَا الَّذِي طَلَّقَهَا: أَنَا أَرْضِعُ ابْنِي بِمِثْلِ مَا تَجِدُ مَنْ تَرْضِعُهُ فَهِيَ أَحَقُّ بِهِ؛ فَضْلُ ابْنِ أَبِي عَبَّاسٍ كُفْتُ: بِهْ إِمَامِ صَادِقٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَرْضُ كَرْدَمٍ: مَرْدٌ نَسَبَتْ بِهْ فَرْزَنْدَشْ حَقِّ دَارْتَرِ اسْتِ یَا زَنْ؟ فَرَمُود: الْبَتَّهْ مَرْد. اِمَا اِگَر زَنی بِهْ شَوهرشْ كِه اَو را طَلَاق دَاده بگوید: مَن فَرْزَنْدَم را مَانَد اَن كَسی كِه تُو بَرای شِیر دَادن بَبابی شِیر می دَهَم، زَن نَسَبَتْ بِهْ اَن مَرْد نَسَبَتْ بِهْ فَرْزَنْدَشْ حَقِّ دَارْتَرِ اسْت. (كلینی، بی تا: ج ۴۰)

سُئِلَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنِ الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ وَبَيْنَهُمَا وَلَدٌ أُيْهِمَا أَحَقُّ بِالْوَلَدِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ أَحَقُّ بِالْوَلَدِ مَا لَمْ تَتَزَوَّجْ. اِزْ إِمَامِ صَادِقٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) دَرِبَارَهی مَرْدی كِه هَمسَرشْ را طَلَاق دَاده دَر حَالی كِه دَارای فَرْزَنْد بُوَدَنْد، كَدَام یك نَسَبَتْ بِهْ كُودَك حَقِّ دَارْتَرِ اسْت، پَرسیده شد، دَر جَوَاب فَرَمُودَنْد: زَن تا زَمَانی كِه اَز دَوَاج نَكْرده نَسَبَتْ بِهْ كُودَك حَقِّ دَارْتَرِ اسْت. (هَمَان)

كَتَبَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَعْضُ أَصْحَابِهِ: كَانَتْ لِي امْرَأَةٌ وَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ وَ خَلَيْتُ سَبِيلَهَا فَكَتَبَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الْمَرْأَةُ أَحَقُّ بِالْوَلَدِ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ سَبْعَ سِنِينَ إِلَّا أَنْ لَمْ تَشَأْ الْمَرْأَةُ يَكِي

۱. وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ إِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِيمَ الرِّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمُؤَلُّودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.

از یاران امام صادق علیه السلام به ایشان نامه نوشت: زنی داشتم و از او دارای فرزند بودم، او را طلاق دادم (تکلیف حضانت کودکمان چگونه است) حضرت در جواب مرقوم فرمودند: زن نسبت به حضانت کودک تا هفت سال حق دارتر است، مگر آنکه خود نخواهد. (حر عاملی بی تا: ج ۴۷۰: ۱۲)

تفاوت حضانت دختر و پسر

مشهور فقیهان، میان حضانت دختر و پسر تفصیل داده و اخباری را که بر اولویت مادر تا دو سال دلالت دارد، برای پسر قرار داده‌اند و روایت ایوب بن نوح را که بر اولویت مادر تا هفت سال دلالت دارد، به کودک دختر اختصاص داده‌اند. شهید ثانی گفته است: کسانی که در ارتباط با حضانت کودک، پس از پایان یافتن دوره شیرخوارگی قول به تفصیل را اختیار کرده‌اند، بین روایات مختلف جمع کرده‌اند و روایاتی که پدر را به طور مطلق بعد از دو سال شایسته‌تر به حضانت دانسته، حمل بر پسر، و روایاتی که مادر را تا هفت سال به طور مطلق سزاوارتر دانسته، حمل بر دختر کرده‌اند و این بدان سبب است که پدر، برای نگهداری و تعلیم و تربیت پسر مناسب‌تر، و مادر برای تربیت دختر شایسته‌تر می‌نماید. (شهید ثانی، بی تا: ج ۸: ۴۲۱) صاحب جواهر نیز گفته است: هرگاه کودک از شیر مادر جدا شد و ایام رضاع به پایان رسید، پدر سزاوارتر به پسر و مادر تا هفت سالگی سزاوارتر به دختر است. این دیدگاه مشهور می‌نماید و از غنیه و سرائر اجماع نقل شده است، و خبر کنانی و داوود بن حصین را اگرچه شامل دختر نیز می‌شود، باید بر پسر حمل کرد، به سبب جمع کردن بین این دسته از اخبار و اخباری که مادر را تا هفت سال سزاوارتر به نگهداری کودک دانسته است، مثل روایت ایوب بن نوح که آن را حمل بر مؤنث می‌کنیم. (نجفی، بی تا: ج ۲۱، ۲۹۱) میرزای قمی فرموده: بنابر اشهر اقوال، پدر سزاوارتر به پسر، و مادر، شایسته‌تر به دختر است تا هفت سال و استدلال آورده‌اند بر این نظر، به جمع بین احادیثی که بعضی حضانت را تا هفت سال بدون تفاوت بین دختر و پسر، حق مادر، و برخی به همین صورت حق پدر دانسته‌اند؛ به این گونه که دسته اول را به جهت مناسبت تربیت دختر با مادر، بر دختر، و دسته دوم را به سبب مناسبت تربیت پسر با پدر، بر پسر حمل کرده‌اند. (میرزای قمی، ج ۴، ۳۵۳) معتقدان به این دیدگاه، به سه امر تمسک کرده‌اند: اجماع، جمع میان روایات، و دلیل عقل که هر سه محل تأمل است:

الف. اجماعی که صاحب جواهر از ابن زهره در کتاب غنیه و از ابن ادریس در کتاب سرائر نقل کرده، اگر نگوییم به حتم، به احتمال قوی، مستند به همین روایات می‌نماید و در اصطلاح فقیهان، اجماع مدرکی (ولایی، ۱۳۷۴: ۳۹) یا دست کم محتمل است مدرکی باشد، و با وجود این احتمال، نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

ب. جمع یاد شده نیز، از قبیل جمع دلالی و مقبول نیست. این گونه جمع در اصطلاح فقیهان، جمع تبرعی نامیده شده و بدون شاهد و قرینه اعتباری ندارد.

ج. اعتبار عقلی، فی نفسه صحیح است، زیرا بین زن و مرد و دختر و پسر تفاوت‌هایی از جهت عاطفه و احساسات وجود دارد؛ دختر از عاطفه بیشتری برخوردار است و شاید به همین سبب، نیاز بیشتری به مادر دارد، اما اثبات تفاوت بین کودک دختر و پسر در این سنین (دو تا هفت) کار مشکلی است.

بدین سبب، گروهی از محققان جمع یاد شده را نقد کرده‌اند. محقق سبزواری در نقد این جمع گفته است: حکم به تفصیل، به شاهی از روایات نیاز دارد. (میزرای قمی، بی تا: جلد ۴: ۳۵۲) شهید ثانی در کتاب الروضه البهیة می گوید تردیدی نیست که حضانت حق پدر و مادر و در صورت نبودن این دو سایر اقربا است (شهید ثانی، بی تا: ۴۵۸ ج ۵) در هر صورت گاهی مواعی بروز پیدا می کند و موجب سلب حضانت دارنده آن می شود.

مواع حضانت

الف. کفر

مسلمان کسی است که اقرار به شهادتین و معاد داشته باشد و منکر ضروری دین نباشد و گر نه کافر خوانده می شود. در اسلام کودک تابع والدین است. به این معنا اگر یکی از والدین هنگام انعقاد نطفه یا تولد او مسلمان باشند هر چند بعد از آن مرتد شوند، به اسلام کودک حکم می شود. همچنین اگر یکی از والدین پس از تولد و در زمان طفولیت فرزند اسلام آورد، در این صورت نیز کودک مسلمان تبع به شمار می رود. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۹: ۲۵) مشهور فقها امامیه بر این باورند که کافر نمی تواند حضانت طفل مسلمان را بر عهده داشته باشد هر چند مادر او باشد لذا چنانچه مرد مسلمان با زن غیر مسلمان ازدواج کند و بعد از بچه دار شدن از یکدیگر طلاق بگیرند یا یکی از زوجین کافر اسلام آورد یا منافق شود در حالی که کودکی در حضانت خود دارد حضانت پدر یا مادر کافر ساقط می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۶۰)

ب. فسق و انحطاط اخلاقی

یکی دیگر از شرایط حاضن یا حاضنه امین بودن است. پس فسق مانع دیگر اجرای حق حضانت محسوب می شود گرچه مشهور فقهای امامیه این شرط را ذکر کرده اند. برخی قائل به عدم اشتراط عدالت یا امانت هستند با استدلال به این که اصل حضانت، شفقت است که در مادر و پدر به طبعی که خداوند در ایشان قرار داده، همواره موجود است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۹۳) دلایلی که برای شرط امین بودن می توان ذکر کرد عبارتند از:

۱- تنافی با ولایت: کسانی که حضانت را ولایت بر کودک خوانده اند آن را منافق فسق می دانند، چه اینکه فاسق ولایت ندارد.

۲- عدم اطمینان و ترس از خیانت شخص فاسق در امور کودک.

۳- ایجاد زمینه بد آموزی انحراف طفل. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۲۴)

۴- پیدایش عسر و حرج: تکلیف به تسلیم کودک به شخص غیر امین مستلزم عسر و حرج است. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ج ۱: ۴۶۹)

برخی از فقها علاوه بر امانت، عدالت را نیز شرط دانسته اند علامه حلی در قواعد الاحکام عدم اشتراط عدالت را اقرب دانسته است. (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳: ۱۰۲)

ج. ابتلا به بیماری های مسری

در این زمینه فقههای امامیه دو نظر مطرح کرده اند: اول اینکه حق حضانت ساقط می شود به دلیل ترس از ضرر رسیدن به کودک و نیز دو روایت از رسول اکرم ص: «فر من المَجْذُومِ فرارک من الاسد؛ از انسان مبتلا به جذامی فرار کن چنانکه از شیر درنده فرار می کنی» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳، ۵۵۷) و لا یُورد مَمْرُوزَ عَلٰی مُصْح (موسوی عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۶۹) بنابر نظر دوم حق حضانت ساقط نمی شود چرا که این حکم با اطلاق ادله منافات دارد. به علاوه امر نگهداری طفل شاید با مباشرت غیر صورت گیرد و لذا خوف ضرر بر طرف شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۲۲۸)

حضانت در حقوق بشر

اصل دوم اعلامیه حقوق کودک بیان می دارد که «هر کودک از حمایت خاصی برخوردار خواهد بود و به موجب قوانین و سایر وسائل، امکانات و تسهیلاتی به او داده خواهد شد تا بتواند از نظر جسمی و فکری - روحی و اجتماعی به نحوی سالم و طبیعی در محیطی آزاد و شایسته رشد نماید در قوانینی که برای این منظور وضع می شو مصالح عالیه کودک باید بیش از هر نکته دیگر مورد توجه قرار گیرد.» (مدیرنیا، ۱۳۷۹: ۱۸۱)

اصل ششم اعلامیه مذکور مقرر داشته که کودک برای رشد متعادل شخصیت خود نیازمند محبت و تفاهم است و تا جایی که ممکن است کودک تحت مراقبت و مسئولیت والدین خود و در هر حال در محیطی محبت آمیز برخوردار از امنیت مادی و اخلاقی پرورش خواهد یافت. کودک خردسال جز در موارد استثنایی نباید از مادر جدا شود. جامعه و مقامات حکومتی موظفند که در مورد اطفال بدون خانواده و در مورد اطفال مستمند، مراقبت خاص مبذول دارند. پرداخت کمک هزینه دولتی و غیر دولتی جهت نگهداری اطفال خانواده های پر جمعیت نیز امری پسندیده و مطلوب خواهد بود

اصل هفتم نیز به جسمانی بودن تعلیم و تربیت کودک اشاره نموده تا کودک با استفاده از فرصتها و استعدادهای پرورش یافته عضو مفیدی برای جامعه باشد. این مساله متوجه پدر و مادر و دولت می باشد.

ماده پنجم کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان مصوب بیستم نوامبر ۱۹۸۹ به حقوق والدین اختصاص یافته و بر اساس آن حکومت‌های عضو این پیمان موظف شده‌اند که به وظایف،

حقوق و مسؤولیتهای والدین و یا سرپرست قانونی کودک توجه لازم را نمایند تا نسبت به کودک در رابطه ی حقوق مندرج در این پیمان نامه کوتاهی نشود.

در ماده هجدهم این قانون نیز که به نگهداری کودک توسط والدین اختصاص یافته است عنوان شده است که حکومتها تاکید و تضمین می کنند که پدر و مادر هر دو با هم مسئول تربیت و رشد کودک هستند. حکومتها موظف شده اند که تمام اقدامهای لازم را انجام دهند تا برای نگهداری از کودکانی که والدین شاغل دارند، امکانات مناسب فراهم نمایند. بدین ترتیب بدیهی است که بر اساس این کنوانسیون رشد و تربیت کودک مترادف با حضانت مفروض بوده است.

اشتغال زنان در اسلام

تبادر عرفی از اشتغال زن، اشتغال رسمی و خارج از منزل است. مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی قدمتی دیرین شاید به اندازهٔ عمر بشر دارد. در اسلام فعالیت اقتصادی به زن یا مرد اختصاص ندارد بلکه هر دو می توانند به هر نسبت که فعالیت کنند از آن بهره مند شوند: للرجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن (نساء/۷) اسلام تلاش انسانی را که در معنای اخص با عنوان شغل از آن یاد می شود همیشه تشویق کرده است (احمدیه، ۱۳۸۸: ۲۴۱) مدیریت و تدبیر هر فرد بر زندگی خویش ایجاب می کند که در طلب رزق و روزی بکوشد. «والنهار مبصرةً لتبتغوا من فضل ربکم». (اسراء/ ۱۲) با مراجعه به متون دینی به مواردی از آیات و روایات بر می خوریم که به نوعی به اشتغال پرداخته است.

آیات قرآن کریم

خداوند، در سوره قصص از دختران حضرت شعیب علیه السلام نام می برد که به کار چوپانی اشتغال داشته اند. آن ها به علت کهولت سن پدر، جایگزین او در کار نگهداری از گوسفندان شده بودند: «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرَّعَاءُ» گفتند ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند». (قصص/ ۲۲)

در آیه دیگری نیز آمده است:

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ باکی بر شما نیست، در آن اموری که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام می دهند. (بقره/ ۲۳۴)

اطلاق و عموم این آیه، شامل اتخاذ شغل نیز می شود؛ یعنی اگر زنان بخواهند در بخشی از زندگی خود که فارغ از انجام حقوق دیگران است، به فعالیت های اقتصادی و یا اجتماعی بپردازند، مانعی ندارد؛ به شرطی که طبق فرموده قرآن بر اساس معروف یعنی اصول عقلانی و انسانی و عرف جامعه باشد. برای مثال شغلی که منافاتی با حیثیت خانوادگی و وظایف زندگی مشترک نداشته باشد. تاریخ بیانگر آن است که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان زیادی به فعالیت های اقتصادی و اجتماعی می پرداختند و نه تنها پیامبر صلی الله علیه و آله آن ها را منع نمی کرد؛ بلکه در

مواردی آن‌ها را نیز راهنمایی می‌نمود. حضرت خدیجه (س) که از زنان بزرگوار و برگزیده است، خود تاجری ثروتمند بود که به تجارت می‌پرداخت و پیامبر (ص) نیز برای مدتی از جانب ایشان به تجارت مشغول بود.

در روایتی آمده است که رسول خدا (ص) به زنان جوان اجازه می‌داد تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی بساط بگسترانند. (طوسی، بی تا، جلد ۳: ۲۸۷) حواء^۱، زنی عطر فروش بود که پیامبر (ص) او را موعظه می‌کرد و می‌فرمود: هرگاه عطر می‌فروشی، جنس سالم و با قیمت مناسب تحویل مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار؛ زیرا معامله سالم پاک تر است و سبب خیر و برکت می‌شود. (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۵، ۱۵۱)

سمراء^۲، دختر نهیک، هم از کسانی بود که متصدی امر به معروف و نهی از منکر در بازار بود و جزء محتسبین (مأموران انتظامی) به حساب می‌آمد همچنین در جنگ‌های پیامبر (ص) همیشه عده‌ای از زنان حاضر بودند که به آب رسانی و پرستاری از زخمی‌ها می‌پرداختند؛ مانند «لیلی غفاری» که بارها در میدان‌های نبرد حضور یافت و از بیماران و مجروحان جنگی پرستاری و آنان را مداوا و معالجه کرد. «ام عطیه» و «ام سلمه» نیز در غزوات متعددی شرکت داشتند و از مجروحان پرستاری می‌کردند. (محللاتی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۵۹۵)

برخی روایات نیز طور مستقیم منعی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان وجود ندارد، بلکه این روایات بیشتر ناظر بر نحوه حضور زنان در جامعه است. برای مثال آن‌ها را از اختلاط با مردان بیگانه باز می‌دارد و به رعایت عفاف و پوشیدگی دعوت می‌کند؛ مانند این روایت که می‌فرماید: "أَمَّا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَغَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيَزَاكُمْنَ الْعُلُوجُ؛ آیا شرم نمی‌کنید و غیرت نمی‌ورزید که زنانتان به بازارها می‌روند و با مردان برخورد می‌کنند." (حر عاملی، بی تا: ج ۱۴، ۱۷۴)

اشتغال زنان در حقوق بشر

پس از جنگ جهانی دوم و رشد صنایع سنگین، زنان به مشاغلی از این قبیل روی آوردند و حضور آنان به صورت گروه‌های سازمانی و نظام مند درآمد. با ایجاد سازمان ملل متحد در این دوران و تاسیس نهادهای بین‌المللی و آژانس‌های تحت نظارت سازمان ملل وضعیت اشتغال زنان وارد مرحله تازه‌ای شد. (فره‌مند، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

یکی از مهمترین سازمان‌های جهانی در این عرصه سازمان بین‌المللی کار است با هدف ارتقای فرصت‌های شغلی برای زنان و مردان، در شرایط آزاد و مساوی و با لحاظ حفظ کرامت انسانی است. هر سال گزارشی‌هایی را از پیشرفت کارپایه‌ها منتشر می‌کند. اگرچه نرخ رشد اشتغال زنان رشد کرده ولی بیشتر این امر در سطوح کارگری و خدماتی با نرخ رشد اشتغال مردان در سطوح نظارتی و مدیریتی برابر یافته است و در واقع حدود نصف مشاغل در سراسر

دنیا صبغة تسلط جنسیت آن هم جنسیت مردانه دارند.

A Wood, 'Globalization and the rise in labour Market in equalitie, P. 141

بر پایه مقاله‌نامه شماره ۲۹ در خصوص کار اجباری، مصوب کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار، دولت‌ها و مقامات صلاحیت‌دار نباید اجازه دهند زنان به کار اجباری گمارده شوند تا حاصل کار اجباری آنان به نفع افراد یا شرکت‌ها و یا شخصیت‌های حقوقی تمام شود و یا در اختیار آنان قرار گیرد. علاوه بر این، چنانچه بعضی از قوانین به تحقق کار اجباری زنان منتج گردد، باید در اسرع وقت ملغی شود. همچنین مأموران محلی، حتی در صورتی که وظیفه‌شان ایجاب نماید، نمی‌توانند زنان و مردان را به کار و فعالیت موقت یا دائمی مجبور سازند و نیز مجاز نیستند آنها را به صورت فردی یا جمعی به کار کردن برای افراد یا شرکت‌ها و ادار سازند. رؤسا و کارگزاران رده‌های بالاتر هم اجازه ندارند به کار اجباری زنان متوسل شوند. (عبادی، ۱۳۷۳: ۲۱۸)

بر پایه مقاله‌نامه شماره ۱۰۰ مصوب کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار، هر یک از کشورهای عضو باید اجرای اصل تساوی اجرت کارگران زن و مرد را در قبال کار هم‌ارزش تشویق نمایند و اجرای آن را درباره عموم کارگزاران تأمین کنند. اجرای این اصل ممکن است با وضع قوانین داخلی و با انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی بین کارفرمایان و کارگران صورت گیرد. اتخاذ تصمیم درباره شیوه ارزیابی تعیین میزان اجرت مساوی، با مقامات صلاحیت‌دار است و در مواردی که میزان اجرت به موجب قراردادهای دسته‌جمعی تعیین شده باشد، با طرفین عاقد قراردادهاست. البته اختلاف بین میزان اجرت مساوی، در صورتی که بدون ملاحظه جنسیت باشد، مخالف اصل «تساوی اجرت زن و مرد در قبال کار هم‌ارزش» محسوب نمی‌شود، ولی دولت‌های عضو به هر صورتی که مناسب بدانند، باید در اجرای مقاله‌نامه با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری ذی‌نفع همکاری کنند. (آرتی‌دار، ۱۳۸۲، ۱۴۹)

سازمان ملل متحد در کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان (مصوب ۱۳۳۱)، به مسئله اشتغال زنان توجه کرده است؛ زیرا در آن دولت‌ها متعهد و مکلف شده‌اند برای همه پناهندگان، از جمله پناهندگان زن، که قانوناً در سرزمین‌های آنها به سر می‌برند، زمینه کار و اشتغال در امور کشاورزی، صنعتی، کارهای دستی، انواع تجارت، تأسیس شرکت‌های بازرگانی و مانند آن را فراهم آورند و با آنها رفتار معمولی و مساعد داشته باشند. کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ آورده است: هرگونه قضاوت یا تقدّم، که بر پایه نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی، سابقه ملیت و طبقه اجتماعی برقرار گردد و در امور مربوط به استخدام و اشتغال، احتمال موفقیت و رعایت مساوات بین زن و مرد را به کلی از میان ببرد و یا به آن لطمه وارد کند، ممنوع است. البته قضاوت و یا تقدّم، که بر پایه صلاحیت حرفه‌ای باشد، تبعیض محسوب نخواهد شد.

هریک از دولت‌های عضو موظف است طبق اصول معینی که با رسوم و سنن محلی مطابقت دارد، یک سیاست عمومی و ملی، که هدف آن استقرار تساوی و احتمال موفقیت در استخدام و اشتغال زن و مرد را فراهم می‌آورد و هرگونه تبعیضی را از بین می‌برد، اتخاذ نمایند. دولت‌ها باید همکاری و مساعدت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی را به قبول و اجرای سیاست مزبور جلب نمایند و تمام مقررات قانونی یا اصول معمول اداری را، که با اصل فوق مابینت دارد، لغو یا اصلاح کنند. دولت‌های عضو باید اقداماتی را که سازمان‌های کارگری و کارفرمایی در حمایت از بعضی اشخاص شاغل به دلیل جنسیت یا سن یا شخصیت یا موقعیت اجتماعی به عمل می‌آورند، متوقف سازند. (عبادی، ۱۳۷۳: ۲۶۷) علاوه بر این، قانون مربوط به قرارداد بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی (مصوب ۱۳۴۶) مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره دارد که زنان همچون مردان، حق کار کردن دارند و نیز مجازند شغل خود را آزادانه انتخاب نمایند و از شرایط عادلانه و رضایت‌بخش بهره‌مند شوند و از حمایت قانونی در برابر بیکاری برخوردار باشند و برای کار مساوی، از حقوق یکسان استفاده کنند. (روزنامه رسمی، ۱۳۴۷: ۳)

بر پایه میثاق، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند حقوق پیش‌بینی شده در میثاق را بدون تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری که منشأ ملی یا اجتماعی، مالی یا نسبی داشته باشد، تضمین نمایند. بنابراین، کشورهای عضو باید بکوشند تساوی حقوق زنان و مردان در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در میثاق را برآورند. در این زمینه، دولت‌های عضو باید حق کار را برای زنان به رسمیت بشناسند و نیز به آنها فرصت دهند تا شغلی را آزادانه انتخاب یا قبول کنند که به وسیله آن به معاش خانواده کمک نمایند. دولت‌ها برای تحقق موارد مزبور، اقدامات مقتضی به عمل می‌آورند. این اقدامات شامل راهنمایی، تربیت فنی، آموزش حرفه‌ای، طرح‌ریزی، تعیین خط مشی و دیگر تدابیر لازم می‌شود. اقدام‌های مذکور از لوازم توسعه مداوم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اشتغال تام و مؤلّد است، مشروط به اینکه به آزادی‌های اساسی، سیاسی و اقتصادی زن لطمه‌ای وارد نکند. همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ برابر با ۱۹/۹/۱۳۲۷ شمسی آمده است:

"هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می‌باشند"

قسمت (د) از بند اول ماده ۱۱ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مقرر می‌کند که زنان از حق دریافت دستمزد برابر و نیز کلیه منافع و عایدات و نیز رفتار برابر در رابطه با کلیه امور مربوط به کار برخوردارند. به رغم این که حق برخورداری از دستمزد برابر به عنوان یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده زنان در رابطه با کار و اشتغال به رسمیت شناخته شده است، اما بنا به آخرین گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار، یکی از معضلات جدی زنان در تمامی کشورها از جمله کشورهای توسعه یافته که همگی به کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

پیوسته‌اند، پایین بودن دستمزد زنان در قبال کار برابر با مردان است از این رو شاید بتوان اذعان داشت که یکی از نارسایی‌ها و کارآمدهای کنوانسیون، عدم تحقق برابری دستمزد برای زنان و مردان در قبال کار برابر است (Mark, 2007: 469).

نتیجه گیری

از جمله مسائل مهمی که در نظام حقوقی اسلام مطرح است حقوق مربوط به زنان می باشد که در آیات قرآن کریم، روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و آراء فقهای مسلمان بدان پرداخته شده است. حق حضانت نیز از اموری است که مورد توجه بسیار و دقیق حقوق اسلامی قرار گرفته است. این امر برای تحکیم بنیان خانواده و نیز برای حمایت از کودک ضروری است. به همین دلیل اگر مواردی که آینده کودک را تهدید می کند در فردی که حضانت بر عهده اوست ظاهر شود حق حضانت وی سلب می شود که تحت عنوان موارد سلب حضانت می باشد. همچنین چنان که اشاره شد اسناد ذکر شده در اسناد بین المللی گرچه گاهی به طور غیرمستقیم و در مواردی به طور مستقیم به حضانت توجه کرده اند که این امر خود اهمیت آن را به ویژه برای تأمین آینده و امنیت کودک به عنوان عنصر اصلی و شکل دهنده جامعه اشاره شده است. بنابراین می توان گفت نادیده گرفتن آن نه تنها آینده کودک را بلکه در سطح وسیع تر آینده جامعه را با خطر جدی مواجه می سازد. همچنین در نظام حقوقی اسلام، زن از هویتی مستقل برخوردار است و تمامی حقوق اساسی و مدنی او مورد توجه قرار گرفته و شواهد زیادی در آیات و روایات و نظرات فقها مبنی بر این مسئله وجود دارد که در آنها هم حضانت و هم اشتغال آنان مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. حق اشتغال، از حقوق اساسی هر انسانی - اعم از مرد و زن می باشد که در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز این مورد بیان شده است. از نظر اسلام، زنان نیز از حق انتخاب شغل برخوردارند، چرا که اساساً هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است. این نکته لازم به ذکر است که اسلام علاوه بر مباح دانستن بسیاری از مشاغل زنان، بر مسئولیت اساسی وی به عنوان یک همسر و یک مادر نیز تأکید دارد و این مسئولیتی است که بیشترین احترام و شخصیت را در جامعه‌ی اسلامی به او می بخشد. در کنوانسیون های بین المللی، هر چند حق اشتغال زنان به رسمیت شناخته شده است با این حال اسلام ضمن پذیرفتن حق اشتغال زنان، محدودیت هایی برای اشتغال زنان وجود دارد. این محدودیت ها که به صلاح فرد و جامعه است ناشی از آن است که در اسلام، به ویژگی های طبیعی و جسمانی زن و مرد بسیار توجه شده و تمامی وظایف و تکالیف و حقوق انسان ها، بر این مبنا قرار داده شده است، چرا که وجود این تفاوت های فطری، مقتضی تقسیم مسئولیت ها و وظایف است. بنابراین نادیده گرفتن این تفاوت های طبیعی، ظلم در حق همه ی انسان ها اعم از مرد و زن است. لذا گر روند کنونی ادامه یابد بهبود وضعیت زنان در عرصه های اجتماعی چشم انداز روشنی نخواهد داشت چون وضعیت موجود با گرایش های روحی زنان سازگار نیست.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳) من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. احمدیه، مریم، (۱۳۸۸) اشتغال زنان در آرا و ادبیات فقهی، مجموعه مقالات و گفتگوها (اشتغال زنان) دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران.
۴. آرتی دار، طیبه (۱۳۸۲) قوانین و مقررات ویژه زنان در جمهوری اسلامی، تهران، زیتون.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵) الحدائق الناطره فی احکام العتره الطاهره، جلد ۲۵، دفتر انتشارات اسلامی.
۶. بیگدلی، سعید (۱۳۹۰) مشکلات و خलाهاى قانونی نهاد حضانت در نظام حقوقی ایران، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۵۵.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا) وسائل الشیعه، ج ۱۵، بی جا.
۹. حمیدی، فریده، قاسمیان، پروانه، صباغ نوین، سولماز (۱۳۸۲) حقوق زنان، حقوق بشر، تهران، انتشارات روشنگران مطالعات زنان.
۱۰. حمیدیان، حسن (۱۳۹۰) حقوق خانواده، تهران، دادگستر.
۱۱. زین الدین بن علی العاملی (شهید ثانی) (۱۴۱۳) مسالک الافهام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
۱۲. _____، (بی تا) الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (شرح لمعه)، چاپ سنگی، ج ۲.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا) التهذیب، جلد سوم، بیروت، لبنان، دار التعارف للمطبوعات.
۱۴. عبادى، شیرین (۱۳۷۳) تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، تهران، روشنگران.
۱۵. فرهنگد، مریم، (۱۳۸۸) بررسی وضعیت اشتغال زنان در نظام بین الملل، مجموعه مقالات و گفتگوها (اشتغال زنان) چاپ اول، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹) دوره حقوق مدنی خانواده، جلد ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸) فروع کافی، قم، نشر قدس، جلد ۵.
۱۸. محلاتی، ذبیح الله، ۱۳۷۰ ریاحین الشریعه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، جلد ۵.
۱۹. مدیرنیا، جواد، (۱۳۷۹) حضانت کودک، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.

۲۰. معلوف، لوئیس، (۱۳۷۴) المنجد، تهران، انتشارات پیراسته، چاپ چهارم.
۲۱. معین، محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
۲۲. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱) نه‌ایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، قم، انتشارات اسلامی.
۲۳. میرزای قمی، ابو القاسم، محمد بن حسن، بی تا، قوانین، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، جلد.
۲۴. نجفی، محمد حسن، (۱۴۱۸) جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۲۵. ولایی، عیسی (۱۳۷۴) فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول. تهران، نشر نی. فصل‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهمن ۱۳۷۰، تهران، دانشگاه تهران، ش ۴.
26. A Wood, 'Globalization and the rise in labour Market in equalities' Economic Journal, P. 141.
27. Mark A. Rothstein & Lance Liebman, Employment Law: Cases and Materials 469 (Foundation Press, 2007).

